

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Politica

سیاسی

"ادبایو آلوکشی" ۱، "تته هُرمکو- آجی" ۲، "عایشو بلجی" ۳، "آنیتا نیار" ۴*
برگردان از: حمید یارمندی
۰۲ می ۲۰۲۱

نگاهی دوباره به سیاست‌های دوره پس از استقلال در افریقا



در سال ۱۹۶۵ قوام نكرومه تناقض استعمار نوین را در افریقا این گونه تشریح کرد که "زمین ثروت‌ها را کماکان بیشتر می‌کند، البته در درجه اول ثروت افریقائی‌ها را که نه، بلکه ثروت آن گروه‌ها و افرادی را که دست‌اندرکار فقیر کردن افریقا هستند." نكرومه آنچه را که هنوز هم ویژگی اقتصاد سیاسی افریقا است خوب درک کرده بود. بسیاری از کشور‌های افریقائی به خاطر نئولیبرالیسم معاصر همچنان گرفتار صادرات مواد خام خود هستند که شمال کره زمین را ثروتمند می‌کند. سیاست‌های داخلی آنها با برنامه‌های ناعادلانه کمک، تجارت و سرمایه‌گذاری، و نیز آنچه که پس از حدود چهار دهه تعدیل ساختاری-اکنون دیگر یک ریاضت اقتصادی تقریباً دائمی به شمار می‌رود، ناکارآمد می‌کند.

نئولیبرالیسم – علی‌رغم ناکامی‌های آشکارش –، همچنان بر سیاست سراسر قاره مسلط است، تسلطی که هجوم و فشار ایدئولوژیک و یک نظام پر شرط و شروط نگهبان آن است و امکان تصور و جست و جوی هر گزینه دیگری را خفه کرده است. دولت‌های افریقائی، در دوره بلافاصله پس از استقلال، بهره‌کشی نواستعماری از قاره را زیر سؤال بردند. این دولت‌ها، سم‌گیری ایدئولوژیک‌شان هر چه بود، بنا را بر این گذاشتند که مأموریت اصلی دوران‌شان این است که قدرت سیاسی و اقتصادی‌شان را تضمین کنند و راه آن‌هم رهائی از نقش سرسپرده در نظم اقتصادی جهان و تصور

نقشی تازه است. خلاف سیاست‌های تدوین شده در خارج -روشی که اکنون برقرار است -، آنها به منافع مادی اکثریت مردم عادی خلاقانه پاسخ دادند.

دولت صنایع را حمایت یا تأسیس کرد؛ آموزش همگانی را ترویج داد تا مهارت‌های لازم برای تحول اقتصاد تأمین شود؛ زیرساخت‌های اجتماعی ایجاد کرد تا کار در خدمت بازتولید را تسهیل کند؛ حساب خود را از ارزش‌های استعماری سوا کرد؛ به کمک سیاست‌های توسعه بانک مرکزی، منابع را در دسترس تولیدکنندگان داخلی و زنان قرار داد؛ در جهت ایجاد تنوع در منابع درآمد تلاش کرد و دست به ساختن همبستگی‌های منطقه‌ای زد.

در نتیجه تلاش‌های دولت‌های شمالی، از جمله قدرت‌های استعماری سابق، پروژه پس از استقلال تضعیف و منحرف شد. دولت‌های شمالی با سوء قصد و کودتا دولت‌های افریقائی را متزلزل کردند و وقتی که در دهه ۱۹۸۰ سقوط بهای مواد اولیه اقتصاد افریقا را ویران کرد، از فرصت استفاده کرده، حکومت‌ها را مجبور به پذیرش وام‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول کردند؛ وام‌هایی که شرایطشان آزادسازی [حذف مقررات-م]، اقتصاد ریاضتی و خصوصی‌سازی بودند.

چهار دهه بعد، سلطه ایدئولوژیک نئولیبرالیسم کاملاً جا افتاده است. مکان‌هایی که در آن اندیشه و دانش مترقی جریان داشت چندپارچه شده‌اند؛ منطق بازار آزاد تولید دانش را در انحصار خود در آورده؛ تفسیرهای نادرست و مغرضانه، که دوران پس از استقلال را ایدئولوژیک، دولت‌مدار و ناکارآمد می‌نمایانند، رواج بسیار دارد و احساسی را تقویت می‌کند که در این جمله تاجری خلاصه می‌شود: "گزینه دیگری وجود ندارد."

تفسیرهای نادرست بسیار گسترده

در دهه ۱۹۸۰ برای تحمیل برنامه‌های تعدیل ساختاری سه تفسیر نادرست درباره دوران پس از استقلال به کار گرفته شد، تفسیرهای نادرستی که هنوز هم مبنای سلطه نئولیبرالی بر افریقا هستند.

نخست، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و دولت‌های شمالی برای بی‌اعتبار کردن تمام تجربه رهبران پس از استقلال، آنها را متعصبانی ایدئولوژیک نمایانند. واقعیت این است که، در عین آن که خمیره ایدئولوژیک وجود داشت، در ورای طیف ایدئولوژیک گوناگون، مجموعه سیاست‌هایی که دولت‌های افریقا برای تثبیت حاکمیت اقتصادی اتخاذ کردند کمابیش یکسان بود.

کنیای با سمت‌گیری سرمایه‌داری، زامبیای سوسیالیست انسان‌گرا، غنای سوسیالیست علمی، سنگال معتقد به "اصالت سیاهان"^۵ و ساحل عاج "افوئه بوآئی"^۶، در تحولات اجتماعی و اقتصادی دوران پس از استقلال نقشی محوری برای دولت قائل شدند. در غیاب طبقه سرمایه‌دار خصوصی محلی و نبودن سطح سرمایه‌گذاری لازم برای دگرگونی، غالباً اخلاق جمعی مبنی بر پاسخ به نیازهای جامعه این نقش محوری دولت را توجیه می‌کرد.

تبلور این امر اغلب در ایجاد شرکت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌های سنگین در سرمایه انسانی، در دخالت مدام دولت در سیاست‌های مالیاتی و پولی و در پافشاری مستمر (اما در نهایت نابسامان) در وارد کردن کالا به جای صنعتی کردن کشور دیده می‌شد.

پروژه توسعه پس از استقلال را، به دروغ، یکدست نمایانند و ارائه آن به مثابه شکست یک ایدئولوژی، راه را هموار کرد تا نئولیبرالیسم را یک راحل "عینی" و "خردمندانه" برای دوره پس از استقلال نشان دهند و نه یک ایدئولوژی خاص که بتوان آن را زیر سؤال برد.

دوم، در مورد مشکلات توسعه در افریقا، از نقش پررنگ دولت در سیاست‌های توسعه پس از استقلال انتقاد می‌شود تا استقرار بازار را به عنوان راحل توجیه کنند و زمینه را برای خصوصی‌سازی و مقررات‌زدائی در مقیاسی گسترده آماده کنند. با این همه، واقعیت این است که تمام اقتصادهای بعد از استقلال وسیعاً بازارمحور بودند، بخش‌های کلیدی تحت سلطه سرمایه خارجی بود و این گونه بود که الگوهای استعماری تداوم پیدا کرد.

سرمایه‌های خارجی

با این حال، دولت‌های پس از استقلال برای تنظیم سرمایه‌های خارجی دست به برخی اقدامات زدند، مثلاً صنایع ستراتیژیک را ملی و سرمایه‌ها را کنترل کردند. سرانجام، ناتوانی در کاهش سلطه سرمایه خارجی، تداوم وابستگی به صادرات مواد خام و نوسانات سیستم اقتصادی جهان، همگی پایه‌های پروژه توسعه پس از استقلال را فرسودند. این واقعیت را پنهان می‌کنند تا گناه را به گردن مداخله دولت ببندازند و نفوذ هرچه ژرف‌تر سرمایه خارجی و ادغام مستمر در نظم اقتصاد جهانی ظالمانه را توجیه کنند. "تندیکا مکنداوایر"^۷ و "چارلز سلودو"^۸ با افشای ریای نهفته در این ادعا یادآوری کردند که پروژه پس از استقلال با سمت‌گیری سیاست حاکم جهانی همسو بوده است.

اروپای دوره پس از رکود اقتصادی با دخالت گسترده دولت‌ها بازسازی شد، و اجرای "طرح مارشال" به رهبری ایالات متحده با اقتصاد بازار هیچ سنخیتی نداشت. همانطور که "ها-جون چانگ"^۹ اشاره می‌کند، طرح مشروعیت دولت به عنوان عامل توسعه در افریقا، این قاره را از ابزارهای سیاسی توسعه محروم کرد، در حالی که شمال همین ابزارها را برای توسعه خود به کار گرفت.

نکته آخر آن که افسانه نهادهای ضعیف و ناکارآمد در دوران پس از استقلال، زمینه‌ساز تلاش برای برچیدن دولت و حذف نقش آن در اقتصاد و تأمین مالی نظام اجتماعی بود. این افسانه از یک دوره سیاسی کاملاً منسجم در این قاره تصویری نادرست ارائه می‌دهد، دوره‌ای که طی آن سیاست تعرفه‌گذاری و مالیاتی، و نیز برنامه‌های توسعه عمومی و بودجه باثبات بوده اند. "سلودو" و "مکنداوایر" نشان می‌دهند که عوامل نئولیبرال مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اصلاً نقش‌های متعدد مؤسسات را در دوره پس از استقلال درک نکرده‌اند: دفترهای روستائی پست، در عین حال صندوق پس‌انداز و مکان دیدار و ملاقات برای اهالی هم بودند؛ و (هیأت بازاریابی کاکائو)^{۱۰} در غنا برای جمع‌آوری بودجه و تأمین مالی آموزش هم به کار گرفته شد.

تخریب بافت اجتماعی

بر این منوال، هنگامی که این نهادها در جریان تعدیل ساختاری برچیده شدند و ارگان‌های یکدست و تک‌منظوره جایشان را گرفتند، آن بافت اجتماعی که جزو برنامه پس از استقلال بود هم از میان رفت. به عنوان مثال، با برچیده شدن هیأت دولتی بازاریابی کاکائو، دانشگاه‌ها هم مجبور به تأمین بودجه از بخش خصوصی شدند، و با گذشت زمان، آنان که بودجه را تأمین می‌کردند محتوای برنامه‌های آموزشی را هم تغییر دادند و آن را سیاست‌زدائی کردند.*

نتیجه این جریان، احساس متلاشی شدن، از خودبیگانگی و کالا شدن بود، احساسی که بنیان تلاش‌های ژرف دولت‌های پس از استقلال را برای تقویت انسجام اقتصادی-اجتماعی بر باد داد. دوره پس از استقلال نقاط ضعفی نیز داشت، از جمله ناتوانی در حل درست مسأله نابرابری زنان و مردان، توانمندسازی جنبش‌های کارگران مستقل و دهقانان یا نیرو بخشیدن به یک نظام غیرمتمرکز مدیریت محلی. با این همه، در مقایسه با دوران نئولیبرال کنونی، هدف از دگرگونی

ساختاری کاملاً روشن بود و تلاش‌های سیاسی بسیاری در راه تغییر الگوهای نواستعماری -که امروز هم در آفریقا ادامه دارد- صورت می‌گرفت.

نئولیبرالیسم سؤالاتی را که دولت‌های پس از استقلال مطرح کردند و سیاست‌هایی را که در پاسخ به این سؤالات تدوین کردند، تقریباً نادیده گرفته است. بدین جهت ضروری است که آفریقائی‌ها از گفتمان‌های مکرری که در خدمت حمایت از نئولیبرالیسم هستند فراتر روند و بر این نکته که تجربیات آفریقا در آن دوره هنوز هم چراغ راهنمای گزینه‌های دیگر توسعه است، تأکیدی دوباره داشته باشند.

- "ادیبایو اَلوکُشی"، مدیر بخش آفریقا و آسیای غربی در "مؤسسه دموکراسی و امداد بین‌المللی" و عضو کمیته مشورتی (پسااستعمار امروز) است.

- "تته هُرمکو-آجی" سرپرست برنامه‌های "شبکه جهان سوم آفریقا"^{۱۱} و کارگروه (پسااستعمار امروز)^{۱۲} است.

- "عایشو بلُجی" هماهنگ کننده "ریجین ریفاکوس"^{۱۳} و عضو دبیرخانه (پسااستعمار امروز) است.

- "آنیتا نیار" مدیر ریجین ریفاکوس^{۱۴} و عضو دبیرخانه (پسااستعمار امروز) است.

**به خوانندگان علاقه مند توصیه می‌شود دو مقاله درباره رابطه چین با کشورهای آفریقائی، از جمله درباره تجارت کاکائو را در همین شماره "دانش و امید" مطالعه نمایند.

۱ Adebayo Olukoshi. ۲ Tetteh Hormeku-Ajei. ۳ Aishu Balaji. ۴ Anita Nayar.

۵ Négritude. ۶ Houphouët Boigny. پدر استقلال ساحل عاج

۷ Thandika Mkandawire. اقتصاددان و استاد دانشگاه مالایائی

۸ Charles Soludo. اقتصاددان و استاد دانشگاه کنیائی

۹ Ha-Joon Chang. اقتصاددان کوریائی جنوبی، متخصص اقتصاد توسعه

۱۰ Cocoa Marketig Board. هیأتی برای حمایت از کشاورزان کاکائو

۱۱ Third Word Network Africa.

۱۲ Post-Colonialisms Today (regionsrefocus.org/initiatives/post-colonialisms-today/)

۱۳ Region Refocus (regionsrefocus.org)

consortiumnews.com/2020/10/30/reclaiming-africas-early-post-independence-history/

کنسرسیوم نیوز، ۳۰ اکتوبر ۲۰۲۰

(دانش و امید، شماره ۴، اسفند [حوت] ۱۳۹۹)